

بدحجابی در نگرش جامعه‌شناختی

مهدی صفار دستگردی *

چکیده:

یکی از رویکردهای مطرح در زمینه تبیین انحرافات اجتماعی، رویکرد گزینش عاقلانه است. طبق یکی از نگاه‌های جدید در این رویکرد، رابطه منحرفانه و کجروانه به منزله بازار انحراف و جرم است که مشتمل بر تقاضا و عرضه می‌باشد. بر طبق برداشت‌های جدید، فرد منحرف در بخش تقاضا قرار دارد و فرد بزه‌دیده به هیچ وجه در این جریان، منفعل و بی‌تأثیر نیست بلکه با فرار گرفتن در بخش عرضه، فعالانه در شکل‌گیری عمل منحرفانه شرکت می‌کند. این مدل تحلیل، در مورد انحرافات اجتماعی و اخلاقی ناشی از عدم رعایت حجاب صحیح کاربرد دارد و مستلزم سیاست‌های کنترلی متناسب با خود است. اگر با این رویکرد به تحلیل برخی متون دینی (آیات مربوط به حجاب) بپردازیم، شاهد تأیید این مدل در این آیات خواهیم بود و تشریح حجاب به منزله یک سیاست کنترلی، به خوبی در این مدل معنا می‌یابد.

واژگان کلیدی:

حجاب، بدحجابی، انحراف اجتماعی، عرضه، تقاضا، زن.

موضوع بدحجابی در جامعه ما از اموری است که ذهن بسیاری از دینداران جامعه را به خود مشغول داشته است. تلقی بدحجابی به عنوان امری نابهنجار و نامطلوب نشانگر این است که ذهنیت فرهنگی و دینی ما برای بدحجابی آثار و تبعات نامطلوبی قائل است و به تعبیر دیگر، آن را علت برخی پدیده‌های نامطلوب دیگر در جامعه می‌انگارد. در این نوشتار سعی شده، با مروری کوتاه بر نظریه‌های علمی ارائه شده در زمینه تبیین^۱ (علت‌یابی) انحرافات و ناهنجاری‌های اجتماعی و سیر تحول آن نظریه‌ها، موضع جدیدترین نظریه‌ها، نسبت به این تلقی رایج در میان دینداران جويا شود و سرانجام با استمداد از بیانات عالمان دینی، از چشم‌انداز دینی به این موضوع پرداخته شود. اما پیش از بیان نظریه‌های مطرح در این زمینه، در ابتدا لازم است، مفاهیم اصلی به کار رفته در این مقاله تعریف گردد.

معنی‌شناسی

بدحجابی

همان‌گونه که از ترکیب لفظی این مفهوم برمی‌آید، برای تعریف بدحجابی بهتر است، در ابتدا حجاب و حدود آن مشخص گردد و از آنجا که هدف دستیابی به اصطلاح شرعی این مفهوم است، باید دید که حجاب علاوه بر معنای لغوی، در شرع اسلام چه معنایی دارد. از نظر لغوی لغت حجاب به معنای پوشیدن، پرده و حاجب به کار رفته و در هیچ موردی اصالتاً به معنای نوع، سبک پوشیدن و نوع سبک لباسی که پوشیده می‌شود، اطلاق نشده است.^۲

در اصطلاح فقهی نیز برای رساندن معنای پوشش زنان، از لغت حجاب استفاده نشده و نمی‌شود، بلکه از لغت «ستر» که به طور دقیق، در معنای پوشش و پوشاندن است، استفاده می‌شود.^۳

در مورد میزان و مقدار پوشش بدن که در شرع اسلام برای زنان واجب شمرده شده است، با نگاهی به رساله‌های عملیه مراجع تقلید می‌توان دریافت که حجاب صحیح و واجب عبارت

1- explanation.

۲- همان، ص ۷۹.

۳- مطهری، ص ۷۸.

است از، پوشانیدن تمام بدن به جز قرص صورت و دو دست (از مچ دست به پایین). اما این تعریف فقهی تعریف حداقلی است و بانگرشی وسیع‌تر و دیدی اجتماعی به احکام اسلام شاید بتوان گفت تعریفی ناقص است. به سخن دیگر، برطبق رویکرد عالمان ژرف‌اندیش دینی، با تأمل دقیق در منابع آموزه‌های دینی، می‌توان از جنبه‌های فردی این حکم فراتر رفت و به ابعاد اجتماعی این رفتار متوجه گردید. همان‌گونه که استاد شهید مرتضی مطهری خاطر نشان ساخته است: «پوشش [و حجاب زن] در اسلام این است که زن در معاشرت خود با مردان بدن خود را بیوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد.»^۱ بنابراین، مقصود از حجاب اسلامی، آن نوع پوششی است که دارای این دو ویژگی باشد: ۱- حدود شرعی پوشش در آن رعایت شده باشد. ۲- با خودنمایی و جلب نظر نامحرمان همراه نباشد. طبق این تعریف، حجاب امری نیست که صرفاً به موضوع پوشش مرتبط باشد، بلکه امری رفتاری نیز هست.

با روشن شدن مفهوم حجاب، تصور جامع‌تری از بدحجابی در ذهنمان شکل می‌گیرد. بدحجاب فقط کسی نیست که حد واجب حجاب شرعی را رعایت نمی‌کند؛ ممکن است کسی این حدود را کاملاً رعایت کند ولی در عین حال وضع ظاهرش، نوع رفتارش با مردان، نوع سخن گفتنش، نوع راه رفتنش، حتی نوع نگاهش به افراد و اطرافش و در یک کلام، نوع رفتار ارتباطی او در اجتماع به گونه‌ای باشد که «زبان دار»^۲ باشد، یعنی با زبان بی‌زبانی توجه نامحرمان را به خود جلب نماید. تذکر این نکته لازم است که ویژگی خودنمایی و به تعبیری، زبان‌دار بودن رفتار و پوشش، ربطی به آگاهی و قصد فاعل رفتار یا پوشش ندارد و ممکن است این جلب نظر غیر آگاهانه و غیر عمدی باشد.

انحراف اجتماعی

انحراف یا کجروی^۳ به رفتار یا کنشی^۴ اطلاق می‌شود که هنجارهای مقبول جامعه را زیر پا

۱- همان.

۲- رک. همان، ص ۸۰.

3-deviance

۴- در مورد تفاوت بین رفتار (behavior) و کنش (action)، رک. سلیمی و داوری، صص ۲۰۸-۲۰۶.

می‌گذارد.^۱ در هر جامعه‌ای برحسب موقعیت‌های گوناگون، انتظارات خاصی از اعضای جامعه وجود دارد. بی‌توجهی به این انتظارات به معنای انحراف از آن‌ها محسوب می‌شود. این انتظارات و هنجارها بسته به اهمیتی که جامعه برای آن‌ها قائل است، می‌تواند واکنش‌های متفاوت اجتماعی را در قبال نقض آن‌ها برانگیزد؛ بر این اساس، هنجارهای اجتماعی را به دو دسته کلی می‌توان تقسیم‌بندی نمود:

۱- شیوه‌های قومی^۲؛ شیوه‌های قومی به آن دسته از هنجارهای اجتماعی اطلاق می‌شود که نقض آن‌ها هر چند نامطلوب و نابهنجار تلقی می‌شود، ولی واکنش شدید مردم را در پی ندارد و واکنش در حد عدم تأیید آنان محدود می‌ماند.^۳ مانند کسی که چشم چرانی کند، این رفتار گرچه امری نامطلوب تلقی می‌شود ولی معمولاً مردم با مشاهده آن چندان واکنشی نسبت به فرد مزبور نشان نمی‌دهند.

۲- رسوم اخلاقی^۴؛ یعنی هنجارهای نیرومندی که از نظر اخلاقی مهم محسوب می‌شود و مجازات متخلفان از آن‌ها، شدیدتر و شامل جریمه‌های مالی و فیزیکی می‌شود.^۵ برای مثال در جامعه ما حفظ حریم و احترام بانوان از هنجارهای مهم به شمار می‌رود و اگر کسی با گفتن متلک و سایر اذیت‌های کلامی این هنجار را نقض کند، سایر افراد شاهد قضیه به شدت با وی برخورد خواهند کرد.

۳- قانون^۶؛ قانون آن دسته از هنجارهای اجتماعی است که جامعه، آن‌ها را چنان برای بقای خود حیاتی می‌داند که هنگامی تخلفی در مورد آن صورت بگیرد، دولت و ابزارهای حکومتی را به مقابله با آن‌ها وامی‌دارد و متخلف از آن‌ها ممکن است به زندان، محرومیت از حقوق اجتماعی یا اعدام محکوم شود؛ مانند ارتکاب زنا یا به عنف.^۷

در این نوشتار مقصود از انحرافات اجتماعی، انحراف از هنجارهای اجتماعی نوع دوم و

۱- همان، صص ۲۲۲-۲۲۴.

۳- رک. سلیمی و داوری، ص ۲۴۲.

۵- سلیمی و داوری، ص ۲۴۲.

۷- رک. سلیمی و داوری، ص ۲۴۲.

2- folkways.

4- mores.

6- law.

سوم است، یعنی انحراف‌هایی که واکنش‌های نسبتاً شدید اجتماعی را ایجاد می‌نماید.

تبیین‌های مختلف از انحراف اجتماعی

انحراف اجتماعی مورد تبیین‌های مختلفی قرار گرفته است، از قبیل: تبیین‌های زیست‌شناختی، روان‌شناختی و اجتماعی. در تبیین زیست‌شناختی، محور اصلی موضوع، ویژگی‌های بیولوژی و زیست‌شناسی فرد منحرف است که در آن ساختمان بدن تا عوامل ژنتیک شخص کجرو، مورد توجه و بررسی قرار می‌گیرد.^۱ در تبیین روان‌شناختی بر تفاوت‌های فردی اشخاص در شیوه تفکر و احساس درباره رفتار خویش تأکید می‌شود.^۲ در تبیین اجتماعی که اینجا صرفاً این موضوع مورد بحث قرار می‌گیرد، انحراف اجتماعی نوعی کنش اجتماعی محسوب می‌شود؛ بنابراین برای شناخت آن لازم است، مروری کوتاه به رویکردهای کلی و مهم در تبیین کنش اجتماعی شود تا در پرتو آن، پدیده انحراف اجتماعی مورد توجه قرار گیرد.

بامروری بر نظریه‌های گوناگون در این حوزه، رویکردهای عمده و مهم در این زمینه به قرار ذیل می‌باشد:

۱- رویکرد کارکردگرا

بر طبق رویکرد کارکردگرا^۳ «شئون مختلف جامعه را بر حسب پیامدهای سودمندی که برای نظام بزرگ‌تر اجتماعی دارند، تبیین می‌کنند.»^۴ برای مثال اگر سؤال شود که چرا در هر جامعه‌ای با وجود سیاست‌های کنترلی، میزانی از انحراف از هنجارهای اجتماعی به چشم می‌خورد، گفته می‌شود که به طور اساسی وجود میزانی از انحراف و هنجارشکنی در جامعه، برای حیات و بقای آن مطلوب و حتی ضروری است؛ چرا که انحراف و هنجارشکنی موجب می‌شود که هنجارهای اجتماعی از حالت اجمال و ابهام به درآیند و وضوح و روشنی بیشتری برای آحاد جامعه پیدا نمایند و این امر، وفاق بر سر هنجارها را که اساس انسجام اجتماعی را تشکیل می‌دهد، سهل‌تر می‌سازد.

۲- نک. همان، صص ۴۲۵-۴۰۶.

۱- نک. همان، صص ۴۰۶-۳۸۴.

۴- لیتل، ص ۱۵۱.

۲- رویکرد ساختارگرا

بر حسب رویکرد ساختارگرا^۱ «شئون مختلف جامعه را بر حسب پیامدهای پیش بینی پذیر اوصاف ساختاری جامعه تبیین می کنند.»^۲ به عنوان نمونه در مقام پاسخ به این سوال که چرا در جامعه ما با وجود مقبولیت عام یک سری ارزش های اخلاقی در باب روابط مرد و زن، انحراف اجتماعی در این زمینه با درجات مختلف به چشم می خورد، اگر پاسخ داده شود که چون ساختار اقتصادی کشور موجب شده که افراد توانایی لازم برای تأمین حداقل امکانات برای تشکیل خانواده را نداشته باشند و به همین جهت از راه های خلاف هنجارهای اجتماعی به تأمین نیازهای غریزی خود روی می آورند، در واقع تبیینی ساختاری از این پدیده به دست آمده است.

۳- رویکرد ماتریالیستی

در رویکرد ماتریالیستی، با تحلیل صورت های مختلف تکنولوژی و آرایش های اجتماعی حاکم بر تولید (پایه اقتصادی^۳) می توان ویژگی های مهم حیات جمعی را تبیین نمود.^۴ مطابق این رویکرد، وجود انحراف اجتماعی و هنجارشکنی در جوامع امروزی ناشی از این امر است که در این جوامع اقتصاد سرمایه داری حاکم است. تأکید بر فردگرایی یکی از نیازهای حیاتی چنین نظام اقتصادی است و رواج فردگرایی به معنای سست شدن پایبندی افراد جامعه به هر چیزی است که لازمه اش کنار گذاشتن خواسته های فردی و توجه به اقتضانات زندگی جمعی است. چنان که مشاهده می گردد، این سه رویکرد در تبیین کنش های اجتماعی از جمله انحرافات اجتماعی، بر عوامل کلان اجتماعی (که در خارج از ذهن کنشگر قرار دارند) تأکید دارند و به متغیر فرد کنشگر، ذهنیت و فعل و انفعال هایی که در ذهن او صورت می گیرد تا به ارتکاب عملی منتهی می شود، توجهی ندارند. هر چند توجه به عوامل کلان به هیچ وجه قابل اغماض نیست و در جای خود ضروری است، ولی از آنجا که کنش، از یک عامل انسانی دارای آگاهی و اراده سرمی زند، نقش فرد کنشگر را نباید از نظر دور داشت. در اینجا ضمن اذعان به سودمندی

1- structuralist approach.

۲- لیتل، ص ۱۵۱.

3- economic base.

۴- ری. لیتل، ص ۱۹۵.

تبیین‌های سطح کلان، برای تبیین در سطح خرد، بر توضیح رویکرد ذیل متمرکز می‌گردد.

۴- رویکرد گزینش عاقلانه

رویکرد گزینش عاقلانه^۱، یک اصل محوری دارد و آن «این است که رفتار آدمیان، هدفدار و سنجیده (سنجشگرانه) است... آدمیان در چند راهی‌ها راهی را که با اغراضشان موافق است اختیار می‌کنند، برای رفتن به هر راهی محاسبه سود و زیان می‌کنند... عملی عاقلانه و سنجیده است که در چارچوب اطلاعات مشخص از شقوق مختلف، وسیله مناسبی برای رسیدن به هدفی باشد.»^۲ بنابراین، رفتار منحرفانه نیز نوعی تصمیم‌گیری فردی و گزینش عقلانی فایده‌گرایانه است که پس از سنجش پیامدهای مثبت و منفی رفتار منحرفانه صورت می‌گیرد؛ به علاوه، در این رویکرد اصل بر این است که امکان گزینش و تصمیم‌گیری برای همه افراد به یکسان وجود دارد.^۳

در قلمرو جرم‌شناسی، نقطه اوج این نوع تبیین را در آغاز می‌توان در قرن هفدهم میلادی در ایده‌های مکتب کلاسیک در حوزه جرم‌شناسی مشاهده نمود.^۴ اصول این تفکر با پیدایش تفکر پوزیتیویستی در حوزه علوم طبیعی و انسانی به دست فراموشی سپرده شد. از اواسط دهه ۱۹۷۰ به بعد نیز می‌توان شاهد طرح تدریجی این دست تبیین‌ها بود؛ در این تبیین‌ها از نو، بزهکاران کنشگرانی اندیشه‌ورز تلقی می‌شوند که برای ارتکاب رفتارهای انحرافی خود برنامه‌ریزی‌های خاص دارند، از جمله آن که قبل از هر چیز، آماج‌های رفتار خویش را مورد توجه قرار می‌دهند و اگر ضررها و خطرهای عمل مورد نظر را بیش از منافع حاصل از آن ببینند، از ارتکاب آن چشم‌پوشند.^۵

- رویکرد عرضه و تقاضا

اهمیت رویکرد گزینش عاقلانه در حوزه تبیین‌های خرد از رفتار منحرفانه در این است که

1- rational choice approach.

۲- لیتل، صص ۶۵-۶۴

۴- رک. همان.

۳- سلیمی و داوری، ص ۳۷۰.

۵- رک. همان، صص ۳۷۱-۳۷۰.

اساس و مبنای نظریه‌ها و رویکردهای متفاوتی در این زمینه شده است. یکی از اساسی‌ترین و قدیمی‌ترین این‌ها، رویکردی است که رابطه منحرفانه و کجروانه را به صورت بازار عرضه و تقاضا تصویر می‌کند و فرد کجرو را در جایگاه «عرضه‌کننده» می‌نشانند.^۱ «ارلیش»^۲ با چنین دیدگاهی نقش عوامل بازدارنده (مانند مجازات‌های قانونی و اجتماعی در نظر گرفته شده) را دارای اهمیتی قاطع در تعیین فراوانی انحراف و کجروی در هر جامعه‌ای می‌داند.^۳ بنابراین برای کنترل روند انحرافات، باید بالا بردن هزینه جرم از طریق تقویت بازدارنده‌ها، مثل مجازات بزهکار، پلیس و نظام جزایی را در دستور کار قرار داد.^۴ اشکالی که در این رویکرد هست، این است که به طور مشخص بیان نمی‌شود که در این بازار انحراف و جرم، نقش تقاضا را چه کسی ایفا می‌نماید.

اما روایت جدیدتر تقریر «ون دیک»^۵ از این رویکرد است. وی فرد منحرف و آسیب‌ساز را شاخص بخش «تقاضا» و بزه‌دیده (کسی که از رفتار انحرافی آسیب می‌بیند) را شاخص بخش «عرضه» قلمداد می‌کند؛ بدین معنا که آنچه فاعل حقیقی کجروی در بازار جرم و کجروی دارد، صرفاً آمادگی و انگیزه و گاه ابزار لازم برای این کار است؛ در مقابل، آنچه فرد بزه‌دیده عرضه می‌دارد، آسیب‌پذیر نمایاندن خود و ایجاد این باور در فرد منحرف است که می‌تواند انگیزه و توانمندیش برای هنجارشکنی را به فعلیت برساند. بدین سان روشن می‌شود که این روایت از رویکرد گزینش عاقلانه، یک گام از روایت قبل جلوتر است؛ چرا که تحلیل خود را صرفاً بر شاخص خطای متمرکز نمی‌سازد بلکه به نقش آفرین بزه‌دیده در جریان انحراف و کجروی صحنه و تأکید می‌گذارد. به تصریح برخی محققان^۶ در خلال دهه ۱۹۹۰، «در میان جدیدترین معارف جرم‌شناختی، دیگر مسأله عمده، مجرم نیست بلکه بزه‌دیده است، یعنی کسی که شیوه زندگی و فعالیت‌های روزمره وی ممکن است او را در برابر جرم آسیب‌پذیر کند.»^۷ این بیان

2- Erlich.

۱- همان، ص ۳۲۱.

5- J.M. Van Dik.

۳- سلیمی و داوری، ص ۳۸۰.

6- Barbara Hudson.

۴- همان، ص ۳۲۱.

۷- سلیمی و داوری، صص ۳۲۳-۳۲۴.

گرچه به طور مشخص در مورد شکستن هنجارها از نوع قانون (نوع سوم از تقسیم بندی هنجارهای اجتماعی) ابراز شده ولی به راحتی می توان آن را به سایر هنجارهای اجتماعی نیز تعمیم داد.

بدحجابی در رویکرد عرضه و تقاضا

تبیین های مختلف از انحراف اجتماعی، به طور عام و نظریه مبتنی بر ایده بازار عرضه و تقاضا به طور خاص، جنبه تبیینی دارند؛ بدین معنا که به دنبال تعیین مقصر اصلی در کنش منحرفانه و هنجارشکنانه نیستند. از این رو، برحسب این نظریه، کسی که عامل انحراف تلقی می شود (در صورتی که انحراف در حد نقض قانون باشد)، از نظر حقوقی مسئول شناخته نمی شود و لازم نیست بار مجازات را تحمل کند. زیرا همان طور که گفته شد، مقصود اصلی این است که در عین اذعان به مسئولیت فرد منحرف و متخلف نسبت به عمل خود، شناسایی زمینه و عوامل کوچک و بزرگی که موجب پدید آمدن و تحقق کنشی کجروانه شده اند، فراهم گردد تا بدین ترتیب، سیاست هایی که در جهت کاهش انحراف پیشنهاد و اجرامی شود، نسبت به برخی عوامل بروز انحراف دچار بزرگ بینی بیش از حد و نسبت به برخی دیگر دچار غفلت و جهل نگردد.

برای مثال در مورد مبحث اصلی این نوشتار که در حوزه روابط بین مرد و زن می باشد، به طور قطع هیچ جامعه ای را نمی توان یافت که در این مورد کاملاً فاقد هنجار و قواعد رفتاری باشد. نقض این هنجارها نیز بسته به اهمیت هنجار نقض شده، واکنش متناسب با خود را در پی خواهد داشت. بر طبق نظریه عرضه و تقاضا، در راستای حفظ هنجارها، حریم ها و ارزش های حاکم بر جامعه و نیز به دنبال راهکارهایی برای کاهش یا حذف انحرافات علاوه بر اینکه مجازات متوجه فرد منحرف می شود، شخص بزه دیده هم (که در این موارد معمولاً جنس زن است)، از این سرزنش و سیاست در امان نمی باشد، چرا که او هم صرفاً منفعل نبوده است. چون زنان به علت مطلوبیت های طبیعی که خواه ناخواه در ظاهر و جسم خود، در نظر مردان دارند و نیز به علت مطلوبیت ها و جذابیت هایی که می توانند آگاهانه یا ناآگاهانه (بر اساس تربیت نادرست) به رفتار خود در منظر مردان ببخشند، در بخش عرضه قرار می گیرند. این در حالی است که در وضع

عادی، جذابیت‌ها و مطلوبیت‌های مردان برای زنان از سنخ امور ظاهری و جنسی نیست و از این لحاظ آنان عرضه‌کننده نیستند بلکه متقاضی هستند.

بنابراین، هر قدر این اقسام زیبایی‌ها از جانب زنان، بیشتر در دسترس مردان باشد، به معنای عرضه بیشتر آن‌ها در برابر انظار متقاضیان است. اقتضای چنین وضعی، بیانگر این پیام (هر چند معمولاً ناخواسته) از جانب زنان بالقوه بزه‌دیده به مردان بالقوه کجرو است که آن‌ها به راحتی به این نوع زنان دسترسی پیدا کنند. در این صورت امکان نقض هنجار سهل‌تر و کم‌هزینه‌تر می‌گردد. آنچه در این میان مانع بروز کنش کجروانه می‌شود، یکی هزینه بالای کجروی به علت مجازات سنگین قانونی یا اجتماعی و دیگری، کاهش آگاهانه یا ناآگاهانه عرضه از طریق وجود الگوهای رفتاری صحیح در میان زنان است.

با چنین مقدمه‌ای روشن می‌شود که بی‌حجابی یا بدحجابی به معنای عام، عرضه هر چه بیشتر است. یکی از راه‌های کاهش عرضه، رعایت حجاب به معنای عام آن (پوشش اندام و زباندان نبودن رفتار) است، چرا که فرصت‌های هنجارشکنی را از دست کجروان می‌گیرد. البته این نکته نیز شایان ذکر است که این پوشش و محافظت نباید چنان افراط‌آمیز باشد که خود از سویی دیگر به جلب توجه و در نتیجه، به نوع دیگری از عرضه منجر شود. به طور کلی اساس حد و مرز افراط و تفریط در این باب بیشتر به عادات فرهنگی هر جامعه یا اجتماعات کوچکتر برمی‌گردد. برای مثال در اجتماعات روستایی، بیرون ماندن مقداری از موی سر زنان در برابر مردان نامحرم شاید عرضه و مایه جلب توجه نباشد (به همین دلیل برخی مراجع از جمله حضرت امام (ره) در رساله‌های علمیه خود هر چند با احتیاط بسیار، این مقدار را از شمول و جوب ستر استثنا کرده‌اند)، ولی معلوم نیست، همین امر در غیر روستا چنین وضعی داشته باشد.

پس از آشنایی با این نظریات، نظرگاه متون دینی در تأیید یا نفی این رویکرد مورد بررسی قرار می‌گیرد. اما قبل از ورود به این بحث لازم است، نکته‌ای در باب رابطه بین گزاره‌های دینی و نظریات علمی روشن شود. پرواضح است که اعتبار گزاره‌های دینی اسلام، از اعتقاد به مبدأ وحی نشأت می‌گیرد و تأیید یا عدم تأیید علوم تجربی نمی‌تواند و نباید در پایبندی به گزاره‌های دینی دست کم در خصوص ضروریات دین خدشه وارد سازد. اما این نکته رانمی‌توان انکار کرد

که اطلاع از این نظریات که حاصل تلاش و کنکاش عقل بشری برای حل مشکلات زندگی و اصلاح راه‌های رفته است، می‌تواند به فهم بهتر و روشنتر گوهرهای گران‌بهایی که منبع وحی در اختیار دینداران قرار داده، کمک شایان نماید. به علاوه، این نظریه و نظریه‌های مشابه آن تراوش ذهنی کسانی است که در یک بستر فرهنگی خاص با سابقه تاریخی بی‌اعتنایی به گزاره‌های دینی پرورش یافته‌اند و کشانده شدن آنان به اتخاذ چنین مواضع علمی‌ای، به معنای یک عقب‌نشینی از مواضع علمی گذشتگان خود و به یک معنادالت‌گر بر آزمون تجربی گزاره‌های دینی اسلام است، امری که امکان آن برای مسلمانان به لحاظ ویژگی‌های فرهنگی فراهم نیست.

حجاب در قرآن

عمده متون دینی که در این بخش مطرح می‌گردد، آیات مربوط به حجاب است که دو سوره قرآن، نور و احزاب آمده است. در این نوشتار، به آنچه در این آیات در مورد تعیین حد واجب آمده پرداخته نمی‌شود، بلکه مقصود اصلی بهره‌بردن از آن‌ها در راستای موضوع بحث است.^۱

محدود شدن تقاضا

«قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم ویحفظوا فروجهم ذلک ازکی لهم ان الله خبیر بما یصنعون»^۲ - خداوند متعال در این آیه تکلیف مرد نامحرم را در عرصه اجتماع و به هنگام برقرار کردن ارتباط با زن نامحرم مشخص ساخته است. خداوند متعال به پیامبر اکرم (ص) دستور می‌دهد که به مردان مؤمن ابلاغ کند که از خیره شدن به زنان بهره‌یزند و دامان خود را از گناه حفظ کنند. (با بر طبق تفسیر دیگری، فرج خود را از دیدگان دیگران بپوشانند.)

محدود شدن عرضه

زنان مؤمن همچون مردان باید نگاه خویش را کنترل نمایند. اما آن‌ها علاوه بر این تکلیف مشترک، موظف به انجام تکالیف دیگری نیز هستند. این تفاوت و تکلیف اضافی، نه از روی

۱- در این قسمت، از توضیحات و تفسیر آیات مربوطه در کتاب «مسأله حجاب» (صص ۱۲۵-۸۰) استفاده گردیده است.

۲- نور، ۳۰.

تبعیض ناروا بین زن و مرد است بلکه متناسب با تفاوت ذاتی این دو جنس است. مرد متقاضی است و همواره از طریق دیدن به دامن خطای می افتد، بر خلاف زن که چنین نیست. خطای زن در نحوه عرضه زیبایی های خویش است که همان خودنمایی و جلب نظر است؛ از این رو، شارع مقدس با تشریح حجاب در نظر داشته که عرضه، به حیطه خاصی (محیط امن خانواده) محدود شود. محدودیت عرضه، در اصل موجب محدود گشتن تقاضای می گردد. زیرا زنان با رعایت و حفظ حجاب، خود را از هوس بازی های مردان در امان نگه می دارند و می توانند آزادانه در جامعه حضور پیدا کنند، بدون اینکه مورد اذیت و آزار قرار بگیرند و خود را به راحتی و ارزان در عرضه تماشای مردان قرار دهند.

همان طور که در مفهوم شناسی حجاب ذکر گردید، عرضه حجاب محدود به یک زمینه نیست، بلکه دامنه آن فراتر از حفظ پوشش ظاهری است که به این موارد اشاره می گردد:

۱- پوشش

- «بِحفظن فروجهن و لا یبیدین زینتهن الا ما ظهر منها و لیضربن بخمرهن علی جیوبهن»^۱، «وزیور خویش آشکار نکنند، مگر آنچه پیداست و سرپوش های خویش بر گریبان هابزنند.» در فراز انتهایی این آیه، دستور دیگری به عنوان مکمل حجاب شرعی ذکر شده که مؤید نگرش مذکور است: «و پای به زمین نکوند که زیورهای مخفیشان دانسته شود.» زنان عرب معمولاً خلخال به پای می کردند و گاه برای آن که بفهمانند که زینتی قیمتی به پا دارند، پای خود را محکم به زمین می کوبیدند. مضمون این نهی را می توان توسعه داد و هر آنچه عرضه و خودنمایی زن تلقی می شود، مانند استعمال عطرهای تند و آرایش در چهره را می توان ممنوع دانست.

- موارد استثنائی

البته در جایی که تقاضایی نباشد، منطق حکم می کند که این حکم لغو شود، چنانچه در ادامه فرازی از این آیه ذکر گردیده است. این موارد استثنائی، گاهی در جانب تقاضای یعنی مرد و گاهی در جنبه عرضه، یعنی زن قرار دارد که به اجمال شامل موارد ذیل می گردد:

بدحجابی در نگرش جامعه شناختی

- مردانی که احتیاج به زن ندارند؛ «و زیور خویش آشکار نکنند مگر ... مردان طفیلی که حاجت به زن ندارند.»^۱ مقصود از مردان طفیلی، قدر مسلم دیوانگان و افراد ابله است که به علت عدم درک زیبایی های زنان در زمینه امور جنسی اساساً در خارج از دایره تقاضا قرار دارند.

- کودک نابالغ؛ «کودکانی که از راز زنان آگاه نیستند (یا بر کام جویی از زنان توانا نیستند).»^۲

- زنان پیر؛ «و زنان قاعده و بازنشسته که امید ازدواج ندارند، باکی نیست که جامه خویش یعنی روسری و چهارقد را بر زمین نهند [البته] در صورتی که خود را به زیوری نیاراسته باشد و قصد خودنمایی نداشته باشند؛ و اگر از این نیز خودداری کنند برایشان بهتر است.»^۳ این آیه را می توان به عنوان استثنایی دیگر بر حکم حجاب که قبلاً ذکر شد دانست و فلسفه آن این است که این زنان به طور عادی، چیزی برای عرضه ندارند و رغبت و تقاضایی نسبت به آنان وجود ندارد؛ از این رو، وجوب حجاب (لزوم پوشانیدن سر در حضور نامحرم) از آنان برداشته شده است؛ ولی همان گونه که در آیه تصریح شده این رخصت مشروط به این است که قصد عرضه و خودنمایی در کار نباشد. دستور کلی اخلاقی که در انتهای آیه آمده، مبنی بر ترجیح داشتن رعایت عفاف در هر حالی و در هر سنی، بیانگر توجه بیشتر شارع به جنبه عرضه و سالم نگه داشتن اجتماع از زمینه های انحراف است.

- «والذین یؤذون المؤمنین و المؤمنات بغير ما اکتسبوا فقد اکتملوا بهتانا و ائماً مبیناً یا ایها النبئی قل لا زواجک و بناتک و نساء المؤمنین یدنین علیهن من جلابیبهن ذلک أدنی أن یعرفن فلا یؤذین و کان الله غفوراً رحیماً - لئن لم ینته المنافقون و الذین فی قلوبهم مرض و المرجفون فی المدینه لنغرینک بهم ثم لا یجاورونک فیها الا قلیلاً.»^۴ «آنان که بدون جهت مردان و زنان با ایمان را آزار می رسانند، بهتان و گناه بزرگی مرتکب می شوند. ای پیامبر به همسران و دخترانت و به زنان مؤمنین بگو که روسری های خویش را به خود نزدیک سازند (خود را با آنها بیوشانند). این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد اذیت قرار نگیرند بهتر است و خدا آمرزنده و مهربان است. اگر منافقان و بیماردلان و کسانی که در شهر نگرانی ایجاد می کنند از کارهای

۱- همان.
۲- احزاب، ۶۰-۵۸.

۱- همان.
۳- همان، ۶۱.

خود دست برندارند، ما تو را علیه آنان خواهیم برانگیخت؛ آن گاه فقط مدت کمی در مجاورت تو خواهند زیست.»

این آیات به خوبی صحنه بازار جرم و انحراف را تصویر می نماید. ظاهراً چنان که برخی مفسرین گفته اند، گروهی از منافقین و افراد منحرف در اوایل شب که هوا تازه تاریک می شد، در کوچه ها و معابر مزاحم زنان (اکثر اکتیزان) می شدند؛ برای مقابله با این پدیده دو راهکار در پیش روی جامعه قرار داده شده است که هر یک در جای خود اهمیت دارد:

- رعایت حجاب در خارج از منزل؛ زیرا از این طریق زنان نجیب و عقیف یعنی کسانی که قصد عرضه خود را ندارند، شناخته می شوند و بیمار دلان از اینکه چشم طمع به آنان بیندند و آنان را مورد اذیت قرار دهند، چشم می پوشند.

- برخورد فیزیکی و کاربرد زور و اجبار علیه افراد خاطی و منحرف؛ خداوند در این آیه، افراد مزاحم و بیمار دل را به حمله و حرکت شدید پیامبر (ص) علیه آنان و حتی تبعید از جامعه پاک اسلامی تهدید می کند.

نکته مهم دیگر در این باب، مقدم داشتن راهکار فرهنگی است که کانون آن را کنترل بزه دیدگان احتمالی و آماج های جرم و انحراف بر رفتار خود و محافظت آنان از خود در برابر افراد آماده ارتکاب انحراف و جرم تشکیل می دهد. این تقدم در ذکر راهکارها در آیه شریفه، هر چند تقدم زمانی استفاده از راهکار اولی بر راهکار دوم را نمی رساند، ولی می تواند بیانگر تأکید و اهمیت بیشتر در نظر شارع مقدس باشد.

۲- گفتار

- «یا نساء النبی لستن کاحد من النساء ان اتقین فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قبله مرض و قلن قولاً معروفاً»،^۱ «ای زنان پیغمبر، شما اگر پرهیزکار باشید، همچون سایر زنان نیستید؛ مواظب باشید که در سخن، نرمش زنانه و شهوت آلود به کار نبرید که موجب طمع بیمار دلان گردد؛ به خوبی و شایستگی سخن بگویید.»

خودداری از سخن گفتن به شیوه تحرک آمیز، شاخصه دیگر حجاب است. در این آیه با صرف نظر از اینکه روی سخن با زنان پیامبر (ص) است، به خوبی نشان داده شده مردانی که احتمال انحراف در آن‌ها وجود دارد، آنچه در نزد آنان است، آمادگی درونی و تقاضا است، اما طرف دیگر قضیه این است که در عرصه اجتماع آنچه مایه گسترش این بیماری و خارج شدنش از حالت درونی و باطنی به حالتی بیرونی و عملی می‌شود، عرضه نشود تا از این طریق زن‌ها در امنیت قرار بگیرند و بتوانند آزادانه در اجتماع حضور پیدا کنند.

بخشی از آیه ۵۳ همین سوره، نیز همین مضمون را با بیانی دیگر تأکید و تقویت می‌کند؛ آنجا که خداوند به مسلمانان توصیه می‌کند که اگر از زنان پیامبر (ص) درخواستی دارند، خواسته خود را از پشت حجاب و پرده‌ای و بدون داخل شدن در منزل مطرح کنند: «وَأَذْأَسْأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ»؛ سپس به علت این توصیه اشاره می‌فرماید: «این برای پاکیزگی دل شما و دل آنان از زنان پیامبر بهتر است.» «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ» از مقدم داشتن «لِقُلُوبِكُمْ» یعنی دل شما مردان، بر «قُلُوبِهِنَّ» یعنی دل زنان پیامبر (ص)، شاید بتوان استنباط کرد که آمادگی برای انحراف قلبی که مقدمه انحراف عملی است، از راه شنیدن صدای جنس مخالف، در مردان بیشتر و قوی‌تر است لذا خداوند تکلیف بیشتری را متوجه زنان کرده و آنان را به پوشاندن خود از دیدگان نامحرمان و محافظت خود از طریق حفظ حریم در رفتار و سخن واداشته است.

۳- رفتار

- «قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ.»^۱ «و به زنان مؤمن بگو که چشمان خویش را ببندند.»

- «وَأَقْرَنَ فِي بَيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجِ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى.»^۲ «و در خانه‌های خویش قرار گیرید و مانند دوران جاهلیت نخستین، به خودنمایی و خودآرایی از خانه خارج نشوید.» این آیه نیز چنان که از سیاق آن پیداست، بر روی خارج شدن زنان پیامبر (ص) از منزل، همراه با عرضه خود به نامحرمان، حساسیت به خرج داده است. البته مقصود از آن حبس کردن زنان ایشان در منزل

نیست، چرا که تاریخ اسلام گواه آن است که سیره معمول پیامبر (ص) بر چنین رفتاری استوار نبوده است و نیز فقط حفظ پوشش مراد نیست، بلکه خودنمایی در تمام صور و شیوه هایش، اعم از نوع نگاه و رفتار مورد نظر است.

در مجموع، آنچه از ملاحظه چند آیه شریفه مذکور به دست می آید، این است که در تمام این آیات، بیش از همه بر حفاظت زنان از خود در پوشش، رفتار، سخن و... و تأثیر آن در پیشگیری از وقوع انحراف در مرحله عمل (و حتی در مرحله نیت و خطورات ذهنی) تأکید شده و فقط در یکی از این آیات به راهکار کنترل از طریق اعمال زور و سیاست های بازدارنده راهنمایی شده است. همین امر به ما نشان می دهد که در یک جامعه اسلامی، برابر تعالیم دینی و نتایج تحقیقات جدید علمی، در امر کنترل انحرافات اجتماعی و اخلاقی در روابط زن و مرد، نقطه تأکید باید بر مقاوم سازی یزه دیدگان (زنان) در برابر افراد آماده جرم و انحراف و کنترل عرضه در برابر افراد متقاضی، از طریق کار فرهنگی سنجیده و بلند مدت در زمینه ترویج معنای صحیح حجاب صورت گیرد.

فهرست منابع

- ♦ مطهری، مرتضی؛ «مسأله حجاب»، انتشارات صدرا، تهران، سال ۱۳۶۶.
- ♦ سلیمی، علی؛ داوری، محمد؛ «جامعه شناسی کجروی»، کتاب اول، پژوهشکده حوزه دانشگاه، قم، ۱۳۸۰.
- ♦ لیتل، دانیل؛ «بین در علوم اجتماعی»، عبدالکریم سروش، مؤسسه فرهنگی صراط، چ اول، ۱۳۷۳.